

جایگاه صنایع در فرایند صنعتی سازی و توسعه روستایی بخش مرکزی شهرستان بیرجند

دکتر محمود مرادی - دانشجوی دوره دکترای جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر سید حسن مطیعی لنگرودی* - استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۸۳/۱۱/۱۲

تأیید نهایی: ۸۴/۸/۳۰

چکیده

یکی از بزرگترین چالش‌های حال و آینده در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان بیرجند، ایجاد اشتغال لازم برای کارگران مازاد و رانده شده از بخش کشاورزی است. ناتوانی بخش کشاورزی در جذب نیروی کار مازاد و تأمین درآمد کافی، منجر به سرازیر شدن سیل مهاجرین روستایی بخش مرکزی به سوی شهرها شده است؛ لذا ایجاد فرصت‌های اشتغال و درآمد به ویژه برای گروه‌های کم درآمد روستایی ضرورتی انکار ناپذیر است.

بخش صنعت روستایی در محدوده مورد مطالعه از توانمندی‌های بالقوه و بالفعل برخوردار است که می‌توان در چارچوب فرایند صنعتی سازی با استقرار و توسعه صنایع متناسب روستایی اعم از صنایع دستی (قالیافی و ...) و صنایع کارخانه‌ای (کوچک و تبدیلی) و با ایجاد فرصت‌های شغلی، افزایش درآمد و رفاه، کاهش مهاجرت‌های روستا - شهری و نیز کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، فرایند توسعه روستایی را تسهیل کرد.

این مقاله با هدف تبیین نقش و جایگاه صنایع روستایی در فرایند صنعتی سازی، پیامدهای آن را در قالب تأمین اشتغال پایدار و درآمد، جهت دستیابی به توسعه روستایی در بخش مرکزی شهرستان بیرجند مورد تأکید قرار داده است.

واژگان کلیدی: صنایع روستایی^۱، صنعتی سازی روستایی^۲، توسعه روستایی^۳، بیرجند^۴.

مقدمه

اگر چه فقر مشکلی جهانی است، اما بیشترین نماد آن در بخش روستایی باعث شده که به عنوان مهم ترین مشکل نواحی روستایی مطرح باشد (چامهوری، ۱۹۹۹، ص ۳۳). فقر حاکم، ناشی از ناکارآمدی اقتصاد روستایی به ویژه

* E-mail: shmotiee@ut.ac.ir

^۱- Rural Industries

^۲- Rural Industrialization

^۳- Rural Development

^۴- Birjand

کشاورزی در تأمین فرصت‌های اشتغال، درآمد و ارتقاء سطح زندگی می‌باشد. یکی از مشکلات عمده در نواحی روستایی بخش مرکزی بیرجند نیز کمبود فرصت‌های اشتغال و درآمد و فقر ناشی از آن است.

کشاورزی در نواحی روستایی بخش مرکزی بیرجند در سطح پایینی از فناوری، بهره‌وری زمین و نیروی کار قرار دارد. پایین بودن بهره‌وری زمین و نیروی کار و در نتیجه مازاد حاصله باعث می‌شود که بخش قابل توجهی از جمعیت وابسته به کشاورزی که امکان جذب در این بخش را ندارند، مجبور به مهاجرت از روستا به شهر شوند. لذا بسیاری از برنامه‌ریزان بر این باورند که در انتخاب راهبردهای توسعه روستایی به منظور پاسخگویی به نیازهای جمعیت و کاهش روند مهاجرت‌ها، متنوع‌سازی اقتصاد روستایی بسیار ضروری است.

در متنوع‌سازی اقتصاد روستایی باید از انواع فعالیت‌ها به ویژه صنایع سود برد؛ یرا مشارکت صنعت در توسعه روستایی، مشارکتی چند جانبه است (مطیعی لنگرودی ۱۳۸۲، ص ۱۶۵). در همین راستا یکی از راهبردهایی که در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه پیگیری شده و نتایج مثبتی نیز داشته، اقدام در جهت صنعتی‌سازی روستاها (گسترش صنایع در روستاها) بوده است. منظور از صنایع روستایی در این تحقیق صناعی است که متناسب با مناطق روستایی کشور در قالب صنایع دستی، کوچک و تبدیلی تعریف شده و مکان استقرار آنها در مناطق روستایی از جمله مراکز بخش‌ها، دهستان‌ها و روستاهای اقماری باشد (شریف‌النسی، ۱۳۶۴، ص ۴۴). صنعتی‌سازی، صنعتی‌کردن و یا صنعتی‌شدن نیز به معنی دگرگونی تکنولوژیک به منظور ارائه کیفیت زندگی بهتر برای نسل‌های فعلی و آینده است (هاک ۱۹۹۴، ص ۱۰۷). بر این اساس صنعتی‌سازی روستایی فرایندی است که ابزارهایی برای متنوع‌سازی اقتصاد روستایی فراهم آورده و همچنین راهبردی است که فقر روستایی را کاهش داده و با توسعه صنایع، از دیدگاه اقتصاد روستایی و اقتصاد ملی (لی ۲۰۰۱، ص ۳)، توسعه متعادل میان خانوارهای روستایی و شهری، بخش کشاورزی و صنعت و بالاخره اقتصاد منطقه‌ای و تمرکز زدایی صنعتی و شهری را میسر می‌سازد (چوی ۲۰۰۱، ص ۱).

از اینرو بنظر می‌رسد که ایجاد و گسترش مشاغل غیر کشاورزی و فعالیت‌های درآمد زاء، بالاخص صنایع روستایی و نیز توسعه مراکز سطح پایین (مهندسان مشاور DHV از هلند ۱۳۷۵، صص ۵-۶) به عنوان یکی از روش‌های مهم اشتغال زایی در روستاها باید مورد توجه قرار گیرد. بی‌تردید اشتغال زایی از خروج بی‌رویه نیروی کار از روستاها و تمرکز آنها در شهرها جلوگیری خواهد کرد (ریزوانول ۱۹۸۷، ص ۴۰). به همین دلیل صنعتی‌سازی مناطق روستایی با توانایی ایجاد فرصت‌های شغلی و فعالیت‌های درآمد زاء به عنوان راهکاری به منظور کاهش نابرابری در مناطق روستایی مورد توجه سیاستگذاران توسعه قرار گرفته (رحیمی ۱۳۸۳، ص ۴۲) و قادر است از طریق تأمین نیازهای اساسی و ایجاد پیوند با دیگر بخش‌های اقتصاد، نقش مؤثری در فرایند توسعه روستایی ایفاء نماید.

اهداف، روش تحقیق و ناحیه مورد مطالعه

۱- اهداف تحقیق

صنایع روستایی به ویژه صنایع دستی روستایی به دلیل فراگیری بیشتر در محدوده مورد مطالعه، دارای اثرات اقتصادی - اجتماعی در فرایند توسعه روستایی می‌باشد و لذا تحقیق حاضر تلاش دارد تا اهمیت و جایگاه صنایع مزبور را در اقتصاد نواحی روستایی بخش مرکزی بیرجند از دو جنبه به عنوان اهداف اصلی مورد بررسی قرار دهد:

الف) بررسی توان اشتغال زایی بخش صنعت به منظور رفع بیکاری پنهان و آشکار در عرصه روستایی محدوده مورد مطالعه از طریق جذب نیروی کار مازاد بخش روستایی؛
ب) بررسی توانمندی صنایع روستایی در افزایش درآمد خانوارهای روستایی.

۲- روش تحقیق

تحقیق حاضر مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای - شیوه تحلیل محتوا - و میدانی با استفاده از روش پیمایشی در روستاهای نمونه بوده که پس از تکمیل پرسشنامه از ۳۳۶ خانوار نمونه در ۳۳ روستا، اطلاعات جمع آوری شده استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. حجم جمعیت خانوارهای نمونه ۱۱۷۶ نفر محاسبه شده است.

۳- ناحیه مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان بیرجند است. این بخش بر اساس آخرین تقسیمات اداری در سال ۱۳۸۲ مشتمل بر ۶ دهستان، ۴۱۰ روستای دارای سکنه با ۱۰۱۷۵ خانوار و «جمعیتی معادل ۳۵۶۱۴ نفر» بوده است (بهداری شهرستان بیرجند ۱۳۸۳).

داده‌های تحقیق

۱- ویژگی‌های کلی جمعیتی و اقتصادی

بخش مرکزی شهرستان بیرجند با مساحت ۳۹۳۴/۲۱۶ کیلومتر مربع حدود ۱۴/۵ درصد از قلمرو فضایی شهرستان بیرجند را در بر گرفته است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی خراسان ۱۳۸۳). جمعیت این ناحیه در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۲ به ترتیب ۴۰۴۳۱^(۱) و ۳۵۶۱۴ نفر بوده است (مرکز آمار ایران ۱۳۷۶ و بهداری شهرستان بیرجند ۱۳۸۳). نرخ رشد جمعیت نیز طی سال‌های مذکور معادل (۱/۵-) درصد محاسبه شده است.

نسبت جنسی در سال ۱۳۸۲ برابر ۹۳/۷ نفر مرد در برابر ۱۰۰ زن بوده است. از نظر ترکیب سنی نیز تقریباً ۲۷/۸ درصد جمعیت در گروه سنی زیر ۱۵ سال (کودکان)، ۶۰ درصد در گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ سال (جوان و میانسال) و بقیه در گروه سنی بالای ۶۵ سال قرار داشته‌است (مرادی، مطالعات میدانی ۱۳۸۳).

در سال ۱۳۸۲ جمعیت ده ساله و بیشتر این محدوده ۷۴/۶ درصد از کل جمعیت بوده که ۵۲/۲ درصد فعال اقتصادی و ۴۷/۸ درصد فعال غیر اقتصادی بوده‌اند. تفاوت میان جمعیت فعال و غیر فعال نخستین وجه تمایز ترکیب شغلی یک جمعیت است (درئو ۱۳۷۱، ۲۸۳) که بایستی بررسی و تحلیل شود. از کل جمعیت فعال ۸۹/۶ درصد شاغل و ۱۰/۴ درصد بیکار جویای کار بوده‌اند. (جدول شماره ۱)

^۱ - براساس محدوده سال ۱۳۸۲

جدول ۱- جمعیت ده ساله و بیشتر در روستاهای نمونه بخش مرکزی شهرستان بیرجند بر حسب وضع فعالیت در سال ۱۳۸۲

جمعیت بیکار جویای کار		جمعیت شاغل		جمعیت فعال		جمعیت ده ساله و بیشتر		گروه های عمده سنی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۷/۶	۹	۶/۲	۲۶	۶/۹	۳۲	۱۶/۸	۱۴۷	۱۰-۱۴ ساله
۶۷	۳۲	۴۷/۱	۱۹۳	۴۸/۳	۲۲۱	۳۸/۲	۳۳۵	۱۵-۳۴ ساله
۶/۶	۳	۳۵/۹	۱۴۷	۳۴/۱	۱۵۶	۳۱/۶	۲۷۷	۳۵-۶۴ ساله
۸/۸	۴	۱۰/۸	۴۴	۱۰/۷	۴۹	۱۳/۴	۱۱۸	۶۵+ ساله
۱۰۰	۴۸	۱۰۰	۴۱۰	۱۰۰	۴۵۸	۱۰۰	۸۷۷	جمع

(مرادی، مطالعات میدانی، ۱۳۸۳).

بر اساس مطالعات میدانی از کل شاغلین ده ساله و بیشتر ۴۸/۲ درصد در بخش کشاورزی، ۳۷ درصد در بخش صنعت و ۱۴/۸ درصد در بخش خدمات شاغل بوده اند. بنابراین بخش کشاورزی و صنعت دو بخش اصلی اقتصاد روستایی محدوده مورد مطالعه می باشند (جدول شماره ۲).

جدول ۲- شاغلین ده ساله و بیشتر بر حسب سه بخش اقتصاد در روستاهای نمونه بخش مرکزی بیرجند در سال ۱۳۸۲

زن		مرد		مرد و زن		فعالیت های عمده
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۵	۳۰	۸۵	۱۶۷	۴۸/۲	۱۹۷	کشاورزی
۶۹	۱۰۵	۳۱	۴۷	۳۷	۱۵۲	صنعت
۳/۳	۲	۹۶/۷	۵۹	۱۴/۸	۶۱	خدمات
۳۳/۳	۱۳۷	۶۶/۷	۲۷۳	۱۰۰	۴۱۰	جمع

(مرادی، مطالعات میدانی، ۱۳۸۳).

۲- صنایع دستی (وستی) روستایی با تأکید بر قالبیافی

قالبیافی، دباغی، صنایع غذایی: روغن گیری و تولید کشک، آجرپزی، مصنوعات چوبی، فلزی و ... غالباً به صورت فعالیت های صنعتی خانگی و غیرخانگی با روش تولید سنتی در روستاهای این ناحیه وجود دارد. محیط روستایی به خاطر تأمین بخشی از مواد اولیه و نیروی کار، زمینه های لازم جهت رشد فعالیت های صنایع دستی و سنتی را دارا می باشد. این صنایع می توانند وسیله ای برای بسیج نیروی کار روستایی از طریق تأمین فرصت های شغلی اضافی و فرآوری تولیدات کشاورزی، دامی و سایر فعالیت های تولیدی وابسته به صنایع یا بازارهای شهری باشند. صنایع روستایی بخش مرکزی بیرجند که به طور عمده در صنایع دستی و سنتی تبلور می یابد، با آن که در بخش صنایع کارخانه ای ادغام نشده و در تحول و تکامل بخش صنعت منطقه نقش چشمگیری نداشته، ولی به علت گسترش و فراگیری صنعت قالبیافی در روستاهای ناحیه، نقش مهمی در اشتغال و درآمد خانوارهای روستایی دارد.

صنایع دستی و سنتی (به جز صنایع کانی غیر فلزی و تولید مصنوعات چوبی و فلزی) غالباً به صورت مشاغل جنبی در کنار فعالیت های کشاورزی، دامی و به عنوان فعالیت های تکمیلی اشتغال، بخشی از اوقات فراغت اعضاء خانوار مخصوصاً زنان خانه دار را به خود اختصاص می دهند.

مطالعات میدانی بیانگر آن است که صنایع نساجی با ۷۹/۳ درصد، تولید مواد غذایی ۱۴/۳ درصد و صنایع کانی غیر فلزی با ۵ درصد بیشترین فعالیت های تکمیلی اشتغال در صنایع دستی و سنتی را دارا می باشند. ترکیب جنسی شاغلین نیز حاکی از آن است که ۷۵/۳ درصد اشتغال مربوط به زنان و ۲۴/۷ درصد مربوط به مردان است که خود گویای نقش انکار ناپذیر زنان در بهبود درآمد خانوار روستایی می باشد (جدول شماره ۳).

از نظر درآمدی نیز صنایع نساجی با ۶۷/۵ درصد، کانی غیر فلزی با ۲۳/۲ درصد و صنایع غذایی با ۵/۱ درصد بیشترین فعالیت های درآمد زا در گروه صنایع دستی و سنتی می باشند که شرایط محیطی روستاها امکان این فعالیت ها را داراست. (مرادی، مطالعات میدانی ۱۳۸۳).

جدول ۳- توزیع اشتغال و درآمد در صنایع دستی و سنتی نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان بیرجند در سال ۱۳۸۲

نوع فعالیت	مرد و زن		سهم از درآمد (درصد)
	مرد درصد	زن درصد	
صنایع غذایی (روغن گیری، تولید کشک و ...)	۱۴/۳	۷۶/۵	۵/۱
صنایع نساجی (قالیافی، چرم و ...)	۷۹/۳	۷۹/۸	۶۷/۵
صنایع چوب و محصولات چوبی	۰/۳	۰	۱/۴
صنایع کانی غیر فلزی (آجرپزی و ...)	۵	۴/۲	۲۳/۲
مصنوعات فلزی	۰/۱	۰	۱/۳
متفرقه	۱	۹۷	۱/۵
جمع	۱۰۰	۷۵/۳	۱۰۰

(مرادی، مطالعات میدانی، ۱۳۸۳).

قالیافی مهم ترین فعالیت اشتغال زا و درآمد زا در بین خانوارهای روستایی ناحیه است. بر اساس مطالعات میدانی ۵۰/۲ درصد روستاهای دارای سکنه بخش مرکزی دارای صنعت قالیافی و ۴۹/۸ درصد فاقد این صنعت بوده اند. همچنین برآوردها نشان می دهد که ۲۷/۸ درصد خانوارهای نمونه حداقل دارای یک دار قالیافی بوده اند. بنابراین با وجود ۱۰۱۷۵ خانوار موجود، تعداد ۲۸۳۱ دار فعال در بخش مرکزی وجود داشته است که با احتساب ۲/۳ نفر شاغل به ازای هر دار، مجموعاً ۶۵۱۱ نفر معادل ۱۸/۳ درصد جمعیت کل و ۵۲/۴ درصد جمعیت شاغل ناحیه به این فعالیت اشتغال دارند (جدول شماره ۴).

جدول ۴- وضعیت اشتغال خانوارهای نمونه دارای صنعت قالیبافی در بخش مرکزی بیرجند در سال ۱۳۸۲

وضعیت اشتغال در قالیبافی				تعداد جمعیت	خانوار نمونه	دهستان
جمعیت شاغل در قالیبافی		خانوار شاغل در قالیبافی				
درصد	تعداد	درصد	تعداد			
۲۱/۹	۵۶	۳۹	۲۵	۲۵۶	۶۴	القورات
۱۰/۴	۳۳	۱۵/۵	۱۴	۳۱۶	۹۰	باقران
۲۳/۲	۴۶	۴۰/۴	۱۹	۱۹۸	۴۷	شاخن
۲۱	۳۱	۱۹/۷	۱۴	۱۴۷	۷۱	شاخنات
۱۲/۲	۱۶	۲۱/۹	۷	۱۳۱	۳۲	فشاررود
۲۵/۸	۳۳	۴۳/۸	۱۴	۱۲۸	۳۲	کاهشنگ
۱۸/۳	۲۱۵	۲۷/۸	۹۳	۱۱۷۶	۳۳۶	جمع

(مرادی، مطالعات میدانی، ۱۳۸۳).

۳- صنایع کارخانه‌ای (کوچک و تبدیلی)

این صنایع از نظر توزیع فضایی در سه محور عمده: جاده بیرجند - کرمان، بیرجند - زاهدان و بیرجند - مشهد، تا شعاع متوسط ۲۰ کیلومتری شهر بیرجند مستقر گردیده اند. تقریباً ۹۱ درصد این واحدها در محدوده دهستان باقران و ۹ درصد در محدوده دهستان القورات متمرکز می‌باشند.

صنایع کوچک و تبدیلی با ۱۳۳۸ نفر شاغل، برابر ۵۵ درصد کل اشتغال صنایع کارخانه‌ای را در حوزه‌های روستایی نزدیک به شهر شامل می‌شود (جدول شماره ۵).

بنابر جدول شماره (۵)، صنایع غذایی، کانی‌های غیرفلزی و نساجی به ترتیب با ۳۵ درصد، ۲۱/۷ درصد و ۱۸/۱ درصد در مقام اول تا سوم از نظر اشتغال‌زایی قرار دارند.

مطالعات میدانی حاکی از آن است که درآمد متوسط سالانه هر فرد شاغل (سرپرست خانوار) در این صنایع معادل ۱۲/۸۳۲/۵۰۰ ریال است که نسبت به درآمد متوسط خانوار کشاورز ۱۵۰ درصد مازاد نشان می‌دهد. بدین ترتیب صنایع کوچک و تبدیلی با کشش درآمدی بالاتر باعث جذب بیشتر نیروی کار مازاد روستایی می‌گردد؛ به طوری که از مجموع شاغلان واحدهای صنعتی کارخانه‌ای ۷۸ درصد متولد روستا بوده که در حال حاضر ۲۵ درصد ساکن روستاهای مجاور و ۷۵ درصد ساکن شهر می‌باشند. از شاغلان ساکن شهر ۳۷/۵ درصد طی ده سال گذشته از نواحی روستایی به منظور یافتن شغل مناسب و درآمد کافی به شهر بیرجند مهاجرت نموده و در واحدهای صنعتی مشغول شده‌اند (مرادی، مطالعات میدانی ۱۳۸۳).

جدول ۵- واحدهای صنعتی کارخانه‌ای (کوچک و تبدیلی) محدوده بخش مرکزی شهرستان بیرجند در سال ۱۳۸۲

کل اشتغال	کل صنایع		تحت پوشش جهاد کشاورزی				تحت پوشش اداره صنایع				صنایع	
	تعداد	درصد	اشتغال		واحد صنعتی		اشتغال		واحد صنعتی			
			تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۳۵	۴۶۸	۲۸/۴	۲۳	۱۷/۹	۳۴	۷/۱	۱	۳۸/۸	۴۳۴	۳۲/۸	۲۲	غذایی
۲۱/۷	۲۹۱	۲۸/۴	۲۳	۵۲/۶	۱۰۰	۵۷/۲	۸	۱۶/۶	۱۹۱	۲۲/۴	۱۵	کانی غیر فلزی
۱۸/۱	۲۴۲	۱۷/۳	۱۴	۲۴/۲	۴۶	۲۸/۶	۴	۱۷	۱۹۶	۱۵	۱۰	نساجی و سلولزی
۱۵/۲	۲۰۳	۱۳/۶	۱۱	-	-	-	-	۱۷/۷	۲۰۳	۱۶/۶	۱۱	فلزی و برق
۱۰	۱۳۴	۱۲/۳	۱۰	۵/۳	۱۰	۷/۱	۱	۱۰/۸	۱۲۴	۱۳/۴	۹	شیمیایی
۱۰۰	۱۳۳۸	۱۰۰	۸۱	۱۰۰	۱۹۰	۱۰۰	۱۴	۱۰۰	۱۱۴۸	۱۰۰	۶۷	جمع

(اداره صنایع و معادن شهرستان بیرجند، ۱۳۸۳ و جهاد کشاورزی بیرجند، ۱۳۸۳ و مرادی، مطالعات میدانی، ۱۳۸۳).

تحلیل داده‌ها و راهبردها

۱- جمعیت و اشتغال

آمار رسمی حاکی از کاهش نسبت جمعیت نقاط روستایی بخش مرکزی طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۲ به ترتیب از ۲۹/۷ درصد به ۱۲/۴ درصد جمعیت کل شهرستان (مرکز آمار ایران، سرشماری‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ و اکبری ۱۳۷۱، صص ۸-۱۳ و بهداری شهرستان بیرجند ۱۳۸۳) و نرخ رشد جمعیت (۴/۰۶-) درصدی نقاط روستایی شهرستان طی سال‌های

۷۵-۱۳۶۵ (مرکز آمار ایران ۱۳۸۲، صص ۹۱) و نیز نرخ رشد (۱/۵-) درصدی جمعیت طی سال‌های ۸۲-۱۳۷۵ (مرادی، مطالعات میدانی ۱۳۸۳) است که به طور عمده ناشی از مهاجرت‌های روستا-شهری در نتیجه محدودیت‌های اکولوژیک، خشکسالی، رکود کشاورزی و نیز آزاد شدن نیروی کار روستایی بوده است.

پایین بودن نسبت جنسی (۹۳/۷) که تحت تأثیر مهاجرت‌های داخلی، عوامل بیولوژیک و اختلاف نرخ مرگ و میر دو جنس تغییر می‌کند (کلاتری ۱۳۷۵، صص ۲۶ و جوان ۱۳۸۰، صص ۱۳۴) نیز مبین مهاجرت روستا-شهری مردان در مراحل اولیه و سپس مهاجرت تبعی سایر اعضای خانواده و اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصاد شهری است که در طولانی مدت کاهش نسبت جمعیت نقاط روستایی را در پی دارد.

جمعیت فعال ۱۵ تا ۶۴ ساله نسبت به کل جمعیت ده ساله و بیشتر با ۴۳ درصد، عرضه بالای نیروی کار را بدنبال دارد. از تبعات این مسئله افزایش نرخ بیکاری و بالطبع مهاجرت از روستا به شهر است که ضرورت تأمین فرصت‌های شغلی برای افراد تازه به سن اشتغال رسیده این محدوده را به عنوان مسئله جدی مطرح می‌نماید. این مطالعه نشان می‌دهد که علیرغم محدودیت‌های اکولوژیک هنوز هم سهم شاغلین بخش کشاورزی نسبت به کل جمعیت فعال و شاغل از

اهمیت زیادی برخوردار است؛ به طوری که ۴۸/۲ درصد شاغلین (جدول شماره ۲) و ۴۱/۹ درصد درآمد خانوارهای شاغل ناحیه را به خود اختصاص داده است (جدول شماره ۶). با این حال بخش کشاورزی به دلیل پایین بودن سطح فناوری، پایین بودن بهره وری زمین و نیروی کار در دراز مدت قادر به جذب نیروی کار مازاد و درآمد زایی کافی نخواهد بود.

در فرایند توسعه نواحی روستایی ایجاد اشتغال و درآمد برای جمعیت روستایی از اهمیت زیادی برخوردار است. وجود نرخ بیکاری ۱۰/۴ درصدی در این ناحیه و برنامه ریزی برای اشتغال این گروه ضرورت توجه به بخش های توانمند اقتصادی را مطرح می سازد.

بخش صنعت که وابستگی کمتری به شرایط اکولوژیک دارد با ۳۷ درصد اشتغال و ۴۲/۹ درصد درآمد خانوارهای روستایی ناحیه در دراز مدت توانمندی بیشتری برای جذب نیروی کار مازاد، تأمین درآمد و در نتیجه ارتقای سطح زندگی خانوارها دارد. اشتغال ۶۹ درصد زنان در این بخش (جدول شماره ۲) نیز بیانگر آن است که می توان از تمام ظرفیت ها و امکانات بالقوه در فرایند توسعه روستایی سود برد. نقش زنان در مالکیت و اشتغال در واحدهای صنعتی روستایی در مقایسه با نقش آنان در صنایع شهری دارای اهمیت بیشتری است (برنامه عمران ملل متحد ۱۳۸۰، ص ۶۶).

۲- صنایع روستایی

صنایع روستایی شامل کلیه فعالیت های صنعتی موجود در نواحی روستایی بخش مرکزی بیرجند است که به دو گروه اصلی، صنایع دستی (و سنتی) روستایی و صنایع کارخانه ای تقسیم می شوند.

مطالعات میدانی حاکی از درصد قابل توجه جمعیت شاغل در بخش صنعت به ویژه صنایع دستی و سنتی و پتانسیل این بخش در جذب نیروی کار مازاد روستایی است. کارگاه های صنایع دستی در روستاهای مورد بررسی توانسته اند فرصت های شغلی و درآمدی مهمی بوجود آورند. صنعت قالیبافی، غذایی و کانی غیر فلزی مهم ترین فعالیت های اشتغال زا و درآمد زا می باشند. در این گروه صنعت قالیبافی با ۷۶ درصد و ۶۶/۵ درصد به ترتیب از قدرت اشتغال زایی و درآمدزایی بالایی برخوردار می باشد.

این صنعت به صورت نسبتاً فراگیر در بیش از ۵۰/۲ درصد روستاهای مسکونی ناحیه گسترش دارد. از نظر توزیع جغرافیایی اشتغال نیز بیشترین خانوار دارای صنعت قالیبافی با ۴۳/۸ درصد و بیشترین جمعیت دارای این صنعت با ۲۵/۸ درصد در دهستان کاهشنگ و کمترین خانوار دارای صنعت قالیبافی با ۱۵/۵ درصد و کمترین جمعیت دارای این صنعت با ۱۰/۴ درصد در دهستان باقران قرار دارند. محدود بودن فعالیت های کشاورزی، رواج دامداری و استفاده از مواد اولیه آن، تعداد زیادی را به سوی صنایع دستی (قالیبافی) سوق داده است. همچنین پراکندگی روستاها، جمعیت بسیار کم، کوهستانی بودن اکثر روستاها و نیز نزدیکی به شهر بیرجند و اشتغال عده زیادی از جمعیت دهستان باقران در مشاغل شهری، مانع از گسترده شدن صنایع دستی و قالیبافی در این دهستان شده است.

ترکیب جنسی شاغلین قالیباف و حضور ۸۰/۵ درصد زنان در این صنعت بیانگر مهم ترین فعالیت اصلی و جنسی بسیاری از خانوارهای روستایی به منظور افزایش عایدات اقتصادی و پر کردن اوقات فراغت آنان می باشد.

با این حال گسترش کارگاه‌های روستایی صرفاً بر اساس رشد سنتی صورت گرفته که با توجه به گسترش فعالیت صنایع نساجی (قالیافی) در سرتاسر ناحیه می‌توان به این امر پی برد. به عبارت دیگر رشد صنایع روستایی به صورت دستی و سنتی، ناهمگون و فاقد مدیریت و برنامه ریزی مناسب بوده است.

در خصوص صنایع کارخانه‌ای، تمرکز تقریباً ۸۵/۷ درصد واحدهای صنعتی (کوچک و تبدیلی) کل شهرستان بیرجند در دهستان‌های باقران و القورات ضمن تمرکز گرایی شدید، در اشتغال زایی و ارتقای وضعیت اجتماعی - اقتصادی تعدادی از اهالی روستاهای مجاور و نیز مهاجرت نیروی کار مازاد به شهر بیرجند مؤثر بوده است. محصولات تولیدی این واحدها نیز علاوه بر روستاهای مجاور، اکثراً در بازارهای شهری منطقه و نیز خارج از منطقه عرضه می‌شود.

به منظور تمرکز زدایی و نیز فراگیر کردن فعالیت‌های صنعتی در چارچوب فرآیند صنعتی سازی روستاها ضرورت دارد با امکان سنجی، برنامه ریزی مناسب و توزیع متعادل فضایی صنایع در دهستان‌های ناحیه و با توجه به توان‌های محیطی ضمن ایجاد تعادل در اشتغال، افزایش تولید و درآمد، فقر مزمن بر نواحی روستایی را کاهش داد.

لذا در ارتباط با صنایع غذایی با توجه به فعالیت‌های باغداری و تولید محصولاتی نظیر زرشک، زعفران، میوه‌جات و غیره در دهستان‌های القورات، شاخن و شاخنات و تولید مواد غذایی دامی در دهستان‌های فشارود و کاهشنگ می‌توان با ایجاد صنایع تبدیلی و بسته بندی مواد غذایی، صنایع کوچک روستایی را ترویج داد. همچنین در ارتباط با صنایع کانی غیر فلزی با توجه به غنی بودن منطقه از لحاظ منابع معدنی و استخراجی می‌توان با ایجاد شهرک سنگ و واحدهای فرآوری سنگ و سایر مواد معدنی در دهستان‌های باقران و القورات ضریب اشتغال صنعتی و سطح درآمد خانوارهای روستایی و شهری را بالا برد.

۳- درآمد

مطابق جداول شماره (۲ و ۶)، بخش کشاورزی با ۴۸/۲ درصد اشتغال فقط ۴۱/۹ درصد از مجموع درآمد و بخش صنعت با ۳۷ درصد اشتغال ۴۲/۹ درصد مجموع درآمد دهستان‌های بخش مرکزی را به خود اختصاص داده است که دال بر درآمد بیشتر برای شاغلین بخش صنعت است.

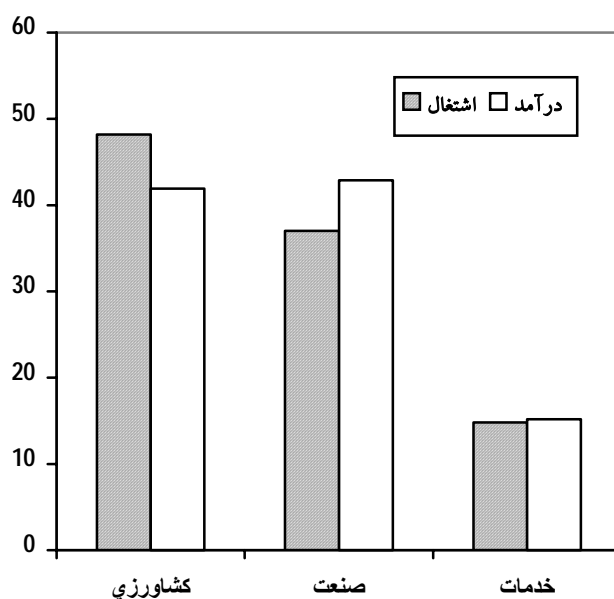
برآوردهای حاصل از داده‌های میدانی نشان می‌دهد که متوسط درآمد سالانه خانوار کشاورز ۵۱۲۵۰۰۰ ریال و خانوار روستایی دارای صنعت روستایی (به ویژه قالیافی) ۹۹۸۳۰۰۰ ریال بوده است. به عبارتی خانوار شاغل در صنایع دستی روستایی ۹۵ درصد نسبت به خانوار فاقد صنایع روستایی و دستی مازاد درآمد داشته است (مرادی، مطالعات میدانی ۱۳۸۳).

در صنایع کارخانه‌ای نیز مقایسه درآمد خانوارها بیانگر ۱۵۰ درصد مازاد درآمد برای شاغل صنعتی می‌باشد که گویای کشش درآمدی بخش صنعت در مقایسه با کشاورزی است.

جدول ۶- و نمودار ۱- سهم اشتغال و درآمد خانوارهای روستایی بخش مرکزی شهرستان بیرجند در سال ۱۳۸۲ در بخش های مختلف اقتصادی

ردیف	نوع فعالیت	اشتغال (درصد)	درآمد (درصد)
۱	کشاورزی (زراعت، باغداری، دامداری، طیور و ...)	۴۸/۲	۴۱/۹
۲	صنعت (قالیافی و سایر صنایع روستایی)	۳۷	۴۲/۹
۳	خدمات (کارمندی، کارگری، تجاری و ...)	۱۴/۸	۱۵/۲
جمع		۱۰۰	۱۰۰

(مرادی، مطالعات میدانی، ۱۳۸۳).



۴- مهاجرت

بررسی یافته های پژوهش در دهستان های بخش مرکزی بیانگر آن است که بین اشتغال، درآمد و مهاجرت رابطه وجود دارد؛ به طوری که دهستان های باقران و کاهشنگ که به ترتیب کمترین و بیشترین درصد خانوار و جمعیت شاغل در صنایع روستایی را دارند با میزان مهاجرت ۴۸/۳ و ۱۴/۷ درصد طی سال های ۸۲-۱۳۷۵، رتبه اول و ششم را در مهاجرت روستا - شهری خصوصاً به شهر بیرجند داشته اند (مرادی، مطالعات میدانی ۱۳۸۳). کمبود فرصت های اشتغال در روستاهایی که فاقد صنایع روستایی می باشند و نیز وجود صنایع کارخانه ای در شهر بیرجند که نیاز به کارگران روستایی دارند در تشدید روند مهاجرت های روستا - شهری به بیرجند و سایر نقاط شهری مؤثر بوده است.

پایین بودن بهره وری از زمین و نیروی کار و در نتیجه مازاد حاصله باعث می شود که بخش قابل توجهی از جمعیت وابسته به کشاورزی که امکان جذب در آن بخش را ندارند، مجبور به مهاجرت از روستا به شهر شوند (سینگ ۱۹۹۳، ص ۳۹۵). با توجه به این که مهم ترین عامل گرایش روستائیان در مهاجرت به شهرها وجود بیکاری، کمی فرصت های شغلی و کمبود درآمد مناسب می باشد، لذا دهستان ها و روستاهایی که از درصد خانوار و جمعیت شاغل در صنایع روستایی و امکان کسب درآمد بالاتر برخوردار بوده اند، میزان مهاجر فرستی کمتری داشته اند. برای مثال روستاهای ساقدر، فورجان، اوجان، مُرک و ...

نتیجه گیری

توسعه بخش کشاورزی در محدوده مورد مطالعه به دلیل محدودیت های اکولوژیک به ویژه کمبود منابع آب با مشکل جدی مواجه است. در عوض بخش صنعت به دلیل سابقه طولانی و وابستگی کمتر به شرایط اکولوژیک و نیز دسترسی به بازارهای گسترده تر امکان بیشتری برای توسعه دارد.

وجود بیش از ۱۰/۴ درصد نیروی بیکار و جمعیت روز افزون مازاد در بخش کشاورزی از یک طرف و کمبود سرمایه و منابع اعتباری از سوی دیگر، نیاز به گسترش فعالیت های اشتغال زا را بیش از پیش ضروری ساخته است. قالبیابی با توجه به ویژگی هایی نظیر اشتغال زایی به ویژه برای زنان سرمایه گذاری کم، سادگی تکنیک و ... بیش از هر فعالیت تولیدی دیگر با شرایط کنونی جامعه روستایی ناحیه مطابقت دارد.

ارزیابی شاخص های کمی و کیفی توسعه حاکی از موفقیت نسبی صنایع روستایی بالاخص قالبیابی و پیوند عمیق آن با زندگی روستایی است که در جذب نیروی کار مازاد، پر کردن اوقات فراغت و بهبود درآمد روستائیان اهمیت دارد؛ به طوری که این صنعت با ۳۲/۵ درصد تولید فرش شهرستان بیرجند ۷۶ درصد اشتغال و ۶۶/۵ درصد درآمد بخش صنایع دستی و ارزش افزوده ۶۵ درصدی تولیدات ضمن دارا بودن نقشی پر اهمیت در اقتصاد روستایی به تنهایی قادر به رقابت با هر یک از بخش های اقتصادی ناحیه نیز می باشد.

صنایع کارخانه ای کوچک نیز با ایجاد زمینه های اشتغال برای بخش عمده ای از نیروی کار آزاد شده از روستا به ویژه مردان و افزایش ۱۵۰ درصدی درآمد نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی موجبات ارتقاء شاخص های اقتصادی - اجتماعی را فراهم آورده و در مقایسه با کشاورزی از کشش اشتغال و درآمد و امکان توسعه بیشتری برخوردار است. بدین ترتیب در شرایط کنونی صنایع دستی به ویژه قالبیابی و نیز صنایع کارخانه ای با توجه به توان های محیطی - انسانی، تولیدات زراعی، باغی، دامی و منابع معدنی قادرند در حفظ تعادل اقتصادی - اجتماعی ناحیه اثرات مثبتی داشته باشد و از طریق استقرار صنایع نساجی سنتی (قالبیابی) و صنایع غذایی و کانی کارخانه ای با هدف ایجاد اشتغال پایدار و درآمد کافی، فرایند توسعه روستایی بخش مرکزی را تسهیل نماید. از این دیدگاه صنعتی سازی روستایی در ناحیه مورد مطالعه می تواند در دستیابی به توسعه روستایی زمینه ها و امکانات لازم را فراهم سازد.

منابع و مأخذ:

- ۱- اداره صنایع و معادن شهرستان بیرجند (۱۳۸۳)، سیمای صنعت و معدن شهرستان بیرجند، واحد آمار.
 - ۲- اکبری، پرویز و زمانی، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ جمعیت آبادیهای مسکونی شهرستان بیرجند (۶۵-۱۳۳۵)، بیرجند: جهاد سازندگی.
 - ۳- برنامه عمران ملل متحد (۱۳۸۰)، توسعه واحدهای صنعتی کوچک روستایی، تجارب آموزنده، ترجمه محمد اسماعیل نوشمند، سلسله انتشارات روستا و توسعه: شماره ۴۰، تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
 - ۴- بهداری شهرستان بیرجند (۱۳۸۳)، اطلاعات جمعیتی خانه‌های بهداشت بخش مرکزی شهرستان بیرجند.
 - ۵- جوان، جعفر (۱۳۸۰)، جغرافیای جمعیت ایران، مشهد: جهاد دانشگاهی.
 - ۶- جهاد کشاورزی بیرجند (۱۳۸۳)، گزارش وضعیت صنایع روستایی شهرستان بیرجند، اداره صنایع روستایی.
 - ۷- درنو، ماکس (۱۳۷۱)، جغرافیای انسانی، جلد ۱، ترجمه سیروس سهامی، تهران: انتشارات راین.
 - ۸- رحیمی، عباس (۱۳۸۳)، تبیین ویژگی‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی، تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
 - ۹- سازمان مدیریت و برنامه ریزی خراسان (۱۳۸۳)، واحد تهیه نقشه و GIS.
 - ۱۰- شریف النسبی، مرتضی (۱۳۶۴)، جایگاه صنعت در برنامه ریزی رشد و توسعه مناطق روستایی کشور، تهران: وزارت جهاد سازندگی.
 - ۱۱- کلانتری، حمید (۱۳۷۵)، مبانی جمعیت شناسی، تهران: انتشارات مانی.
 - ۱۲- مرادی، محمود (فروردین ۱۳۸۳)، مطالعات میدانی در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان بیرجند و نتایج استخراج شده از پرسشنامه.
 - ۱۳- مرکز آمار ایران (۱۳۸۲)، بازسازی و برآورد جمعیت شهرستان‌های کشور بر اساس محدوده سال ۱۳۸۰.
 - ۱۴- مرکز آمار ایران (۱۳۳۵-۷۵)، سرشماریهای نفوس و مسکن شهرستان بیرجند، سالهای مختلف.
 - ۱۵- مرکز آمار ایران (۱۳۷۶)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، شناسنامه آبادیهای کشور، شهرستان بیرجند.
 - ۱۶- مطیعی لنگرودی، سید حسن (۱۳۸۲)، برنامه ریزی روستایی با تأکید بر ایران، مشهد: جهاد دانشگاهی.
 - ۱۷- مهندسان مشاور DHV از هلند (۱۳۷۵)، رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی، جلد ۲، ترجمه بهنام شاپوری و دیگران، جهاد سازندگی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۲۳.
- 18-Chamhuri, s. (1996). Rural Development in jomo K.S. and Ng.Siew Kiat (eds), Malaysia's Economic Development Experience, kuala lumpor: pelanduk publications.
- 19-Choi, H.S. (2001). "Rural Industrialization through science and technology", Institute of industrial science and technology, korea.
- 20-Huq S. (1994). "Global Industrialization: A Developing country perspective", Industrial Ecology and Global Change, Cambridge university press.

- 21-Lee, D. (2001). "Diversification of the Rural Economy: A Case study on Rural Industrialization in the Republic of Korea", Japan program/INDES 2001, Conference-Japan.
- 22-Rizwanul, I. (1987). Rural Industrialization and Employment in Asia: Issues and Evidence. New Delhi: ILO.
- 23-Singh, S. (1993). "Some aspects of Rural non-farm sector development in developing countries", The Indian Journal of Labour Economics. Vol. 36, No.30.